

شگفتی فرنگی‌ها از یک سوگواری تمام‌نشدنی

زهره شریفی

حضور پررنگ زنان

دلا واله، شرق‌شناس ایتالیایی که سفرنامه‌اش یکی از مهمترین منابع برای کسب اطلاعات از دوره تاریخی صفویه به حساب می‌آید، به حضور پررنگ زنان در مراسم عزاداری هم اشاره دارد: «مستمعان با صدای بلند گریه و زاری می‌کنند، به‌خصوص زنان به سینه خود می‌کوبند و با نهایت حزن و اندوه و همه با هم، آخرین بند مرثیه‌ای را که خوانده می‌شود، تکرار می‌کنند و می‌گویند: آه حسین... شاه حسین». «دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا» سفیر اسپانیا هم به حضور زنان طبقات اجتماعی مختلف در مراسم عزاداری اشاره دارد: «در مدت ادامه تشریفات، همه زنان عزادار چادر سیاه و ابریشم بر تن و چادرهای از پارچه‌های لطیف زردوزی شده بر سر داشتند و بیشترشان با صورت باز نشسته بودند. همه زن‌ها از هر طبقه با دقت کامل مواعظی را که هر روز در این مسجد به‌وسیله جدی‌ترین و والامقام‌ترین ملایان یا فقیهان ایراد می‌شد، گوش می‌دادند.

سخنان موعظه‌گران به قدری تأثرانگیز است که زن‌ها به سختی اشک می‌ریزند و با سیلی بر چهره و با مشت بر سینه خویش می‌کوبند. همه زنان از هر طبقه و در هر شرایطی که باشند، در این ده دوازده روز عزا در خانه‌های خود نیز روبنده از صورت برمی‌گیرند و هر کاری را با صورت پوشیده انجام می‌دهند و این نشانه نهایت اخلاص و سوگواری آنان برای حسین (ع) است.»

تعزیه و شبیه‌خوانی

در دوران حکومت قاجار مسافران بسیاری از کشورهای غیراروپایی از جمله آمریکا و ژاپن نیز به دلایل مختلف به ایران سفر کرده و به شرح مراسم ماه محرم و صفر پرداخته‌اند، از جمله مهمترین آن‌ها «یاکوب ادوارد پولاک»، پزشک مخصوص ناصرالدین‌شاه است که به دلیل ارتباط نزدیک با مردم به جهت شغلش، شرح وقایع مختلف را در کتابش بسیار خواندنی و جذاب آورده است.

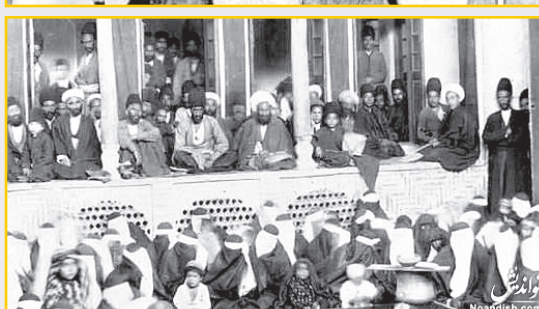
این پزشک آلمانی درباره ایام محرم می‌نویسد: «ایام عاشورا یعنی ده روز اول ماه محرم را که در آن‌ها مراسم تعزیه و تعزیه-شبیه، به یاد شهادت آل علی در کربلا برپا می‌شود می‌توان جزو ایام رسمی محسوب کرد. در این روزها که عزای عمومی و سراسری در مملکت است، همه کس جامه سیاه در برمی‌کند، دسته‌ها در شهرها به راه می‌افتد و با آهنگ‌های غم‌انگیز که ترجیح آن «آی حسین، آی حسین» است بر رنج‌های این سلطان شهیدان اشک می‌ریزند.»

به روایت بانوی انگلیسی، گلارا کولیور رایس، در این دو ماه اغلب مردم لباس سیاه می‌پوشیدند و حتی لباس‌های کهنه‌تر را رنگ سیاه می‌زدند و در این روزهای عزاداری بر تن می‌کردند. در شهرها بخشی از بازار را فرش می‌کردند، چراغ و شمع روشن می‌کردند و مستمعان بر زمین جلوی دکان می‌نشستند و ملای قرآن می‌خواند یا حدیث می‌گفت. مردم محض ثواب، چای و قلیان رایگان می‌دادند. بر سر در بسیاری از خانه‌ها علمی سیاه به نشانه آن که در این مکان عزاداری و ذکر مصیبت برپاست در اهتزاز بود.

اعتراف سفیر

برخی از مسافران جدا از روایت‌ها و گزارش‌هایی که از این عزاداری‌ها در نوشته‌های خود آورده‌اند، به وصف‌ناپذیری حال و هوای مردم و باور و ارادتی که به شهدای کربلا دارند نیز پرداخته‌اند، مانند «ارنست اورسل» جهانگرد بلژیکی که می‌نویسد: «به گمان هیچ کس در دنیا قادر نیست میزان نامیدی و خشم و ترحمی که قلب این جمعیت انبوه را می‌لرزاند، توصیف کند. لعن و نفرین خشم‌آلود علیه یزید و شمر و استمداد پرشور از امامان و صدای گریه‌های بغض‌آلود در فضای پهناور تکیه طنین‌انداز بود و از سینه پردرد هزاران نفر آوای حسین حسین با صفا و صداقت بی‌شائبه بیرون می‌جهید.»

سفیر فرانسه که در آستانه جنبش مشروطیت به ایران سفر کرده است در خاطرات خود اعتراف می‌کند: «عزای پایان‌ناپذیر واقعه کربلا برای ایرانیان فراموش‌نشدنی است» و قابل‌تأمل‌تر از همه، نظر «ساموئل گرین ویلر بنجامین»، نخستین دیپلمات رسمی آمریکا در دوره ناصرالدین‌شاه که با مشاهده این روز و شنیدن شرح واقعه امام حسین (ع)، در کتابش آورده است: «اگر شخص شجاعی در این دنیا بوده، مسلماً آن شخص حسین، پسر علی (ع) بوده است.»



«...یک مرتبه به منزلی که در آن یک هفته مراسم عزاداری و روضه خوانی برپا بود دعوت شدم. صحن حیاط مملو از مرد بود، در گوشه‌ای منبری برپا ساخته بودند که ملا از آنجا وعظ می‌کرد. در هر دست چوبی داشت که به نوک آن دستی برنزی نصب کرده بودند و نمادی از دست‌های حضرت عباس (ع) برادر امام حسین (ع) به شمار می‌آمد. زنان در اتاق‌ها جای گرفته به حیاط می‌نگریستند. تمام در و پنجره‌های اتاق‌ها پرده داشت و زنان، مطالب یا سخن زیادی نمی‌شنیدند و کمتر از آن، بیرون را می‌دیدند. زمانی که وارد شدم بسیاری از آنان به یاد مصائبی که بر امام حسین (ع) رفته بود بلند می‌گریستند...»

این چند جمله تنها بخش بسیار کوچکی از روایت‌ها و گزارش‌های مسافران اروپایی از جمله «گلارا کولیور رایس» است؛ زنی اهل انگلستان که به همراه همسرش مدتی رادر ایران زندگی کرده و در میان نوشته‌هایش از مراسم ماه محرم و صفر در دوره قاجار و چگونگی حال و هوای مردم در برگزاری هر چه باشکوه‌تر این عزاداری‌ها آورده است.

مسافران اروپایی، چه آنان که با اهداف سیاسی و به نمایندگی از کشورشان به ایران دوره صفویه و قاجار سفر کرده بودند و چه دیگری که از سیاحت و گردشگران و پژوهشگران آن دوره به حساب می‌آمدند، در زمان حضورشان در ایران که هم‌زمان با ماه‌های محرم و صفر می‌شد، در نوشته‌های خود با شگفتی بسیار به ارادت و علاقه مردم ایران به گرامیداشت یاد شهدای کربلا و عظیم بودن مراسم عزاداری این دو ماه اشاره کرده‌اند، چنان‌که باز به روایت گلارا کولیور رایس که فرصت حضور در مراسم تعزیه و مشاهده آن‌همه شور از نزدیک را داشته است: «...تا این که روز دهم، یعنی سال گشت شهادت حضرت امام حسین (ع) فرا می‌رسد. در این روز است که احساسات به اوج می‌رسد. همه بر سینه می‌کوبند. زارزار گریه می‌کنند و به‌گونه‌ای اندوهناک شیون و فغان می‌کنند، اگر روز دهم محرم ناظر تعزیه نبوده باشید، نمی‌توانید گریایی و تأثیر دین و ایمان بر مسلمانان ایرانی را دریابید...»

سنت ایرانی

در روزگار صفویان هم سیاحت و جهانگردان معرفی از کشورهای مختلف از شگفتی برپایی مراسم عزاداری در این دو ماه نوشته‌اند.

«آدام اولتاریوس»، از سیاحتان عصر صفوی، عزاداری محرم را مختص جامعه ایرانی می‌دانست و معتقد بود در دیگر کشورهای اسلامی چنین سنتی وجود ندارد. این پژوهشگر آلمانی که به جهت ترجمه گلستان بوستان سعدی به زبان آلمانی شهرت دارد، در مدت اقامتش در ایران با نگاهی بی‌طرفانه جامعه ایران را رصد کرده است. به گزارش او مردم در بزرگداشت شهدای کربلا «مراسم سوگواری برپا می‌کنند که ۱۰ روز طول می‌کشد. به همین دلیل، آن را عاشورا می‌نامند که به زبان عربی، ده معنا می‌دهد.»

«ژان شاردن»، جهانگرد معروف فرانسوی در سفرنامه خود آورده است: «باید دانست که ۱۰ روز اول محرم در نظر شیعیان بسیار محترم است.» «فرانچسکو جملی کارری» سیاح ایتالیایی هم درباره محرم سیصد سال پیش چنین گزارش می‌کند: «مردم با حلول ماه محرم، با حالتی بسیار غم‌انگیز به عزا می‌پردازند و این مراسم ۱۰ روز طول می‌کشد.»

توصیف دسته‌های عزاداری محلات اصفهان

تعداد قابل‌توجهی از این مسافران بعد از بازگشت به کشورشان سفرنامه‌هایی نوشته‌اند که بخشی از آن‌ها درباره ایران و به خصوص توصیف جامعه و زندگی و چگونگی آداب و رسوم مردم آن زمان، از جمله مراسم ماه محرم است. همان‌طور که اشاره شد سوگواری‌های این ماه بسیار مورد توجه و حیرت آنان قرار گرفته است، تا جایی که به توصیف جزئیات این مراسم در سفرنامه‌های خود پرداخته‌اند. «پیتر و دلا واله»، نویسنده و جهانگرد ایتالیایی درباره دسته‌های عزاداری محلات اصفهان آن زمان می‌نویسد: «بر روی اسب‌های آنان، سلاح‌های مختلف و عمامه‌های متعدد قرار دارد و به‌علاوه، چندین شتر نیز همراه دسته‌ها هستند که بر روی آن‌ها جعبه‌هایی حمل می‌شود که درون هر یک، سه چهار بچه به علامت بچه‌های اسیر حسین شهید قرار دارند. علاوه بر آن، دسته‌ها هر یک به حمل تابوت‌هایی می‌پردازند که دور تا دور آن‌ها، مخمل سیاه‌رنگی پیچیده شده و روی آن‌ها یک عمامه که احیاناً به رنگ سبز است و همچنین یک شمشیر جای داده‌اند...»